

ژروم فراری

پرفیسپ

۱۳۶۹

بهمن یغمائی - ستاره یغمائی

پروفیسر یغمائی - ستاره یغمائی

پروفیسر یغمائی - ستاره یغمائی

پروفیسر یغمائی - ستاره یغمائی

پروفیسر یغمائی - ستاره یغمائی

پروفیسر یغمائی - ستاره یغمائی

پروفیسر یغمائی - ستاره یغمائی

پروفیسر یغمائی - ستاره یغمائی

پروفیسر یغمائی - ستاره یغمائی

پروفیسر یغمائی - ستاره یغمائی

پروفیسر یغمائی - ستاره یغمائی

پروفیسر یغمائی - ستاره یغمائی

پروفیسر یغمائی - ستاره یغمائی

پروفیسر یغمائی - ستاره یغمائی

پروفیسر یغمائی - ستاره یغمائی

پروفیسر یغمائی - ستاره یغمائی

پروفیسر یغمائی - ستاره یغمائی



مؤسسه انتشارات نگاه

تأسیس ۱۳۵۲

## پیشگفتار مترجم

در روزی پانزده کتاب از سبب ترجمه آن در پاریس به دنیا آمد  
و تحقیقات خود را در دانشگاه پاریس در رشته فلسفه به پایان رسانید  
او مدت‌ها در پاریس به تدریس و نوشتن مقالات فلسفی و اقتصادی  
تولید و سپس به مترجم و نویسنده‌ی مؤلفان کتاب‌های بی‌شمار  
مؤلفان در سال ۱۹۰۲ میلادی کنکور پاریس به ارمغان آورد و کتاب‌های

دیگر و نیز در سال ۱۹۰۲ میلادی کنکور پاریس به ارمغان آورد و کتاب‌های  
دیگر و نیز در سال ۱۹۰۲ میلادی کنکور پاریس به ارمغان آورد و کتاب‌های

پیشگفتار مترجم ..... ۷

موقعیت‌ها ..... ۱۷

موقعیت ۱: هلیگولند ..... ۱۹

موقعیت ۲: دور از خانه، دردشتی از ویرانه‌ها ..... ۲۷

موقعیت ۳: در اتاق ابر ..... ۳۷

موقعیت ۴: بین ممکن بودن و واقعیت ..... ۴۵

سرعت ..... ۵۷

انرژی ..... ۹۹

زمان ..... ۱۳۵

## پیشگفتار مترجم

ژروم فراری نویسنده کتاب 'پرنسیپ' در سال ۱۹۶۸ در پاریس به دنیا آمد و تحصیلات خود را در دانشگاه پاریس در رشته‌ی فلسفه به پایان رسانده است. او مدت‌ها در روزنامه‌ی معتبر لوموند مقالات فلسفی و اجتماعی نوشته و سپس به مترجمی و نویسندگی می‌پردازد. کتاب خطابه‌ای برای سقوط رم در سال ۲۰۱۲ جایزه‌ی گنکور را برایش به ارمغان آورد و کتاب‌های دیگر او نیز به ویژه 'یک انسان، یک حیوان' و 'آنجا که ایمانم را رها کردم' جوایز معتبر دیگری را مثل جایزه‌ی لاتدرنو و جوایز رسانه‌ها و جایزه‌ی کتاب لهستان به خود اختصاص می‌دهد. او چندین سال به تدریس فلسفه در الجزایر و کشورهای دیگر افریقای شمالی پرداخت و سپس به عنوان استاد فلسفه در دانشگاه ابوظبی مشغول کار شد. 'ژروم فراری' به عرفان و فلسفه شرق احاطه داشته و معمولاً کتاب‌های خود را با انتخاب فرازمایی از گفته‌های عرفا و فلاسفه‌ی شرق آغاز می‌کند. این نویسنده در بخش‌هایی از متن نوشته‌هایش نیز از آنان نام برده و افکارشان را برجسته می‌کند. سبک نگارش و تفکرات ژروم فراری در زمان‌های بیشتر پیروی از فلسفه‌ی اگزیستانسیالیسم و ژان پل سارتر و آلبر کامو است.

اکثر آثار این نویسنده، مباحث مهم دنیای امروز، جنگ، ترور و خشونت را در بر می‌گیرد. در واقع، کتاب‌های او ضد جنگ، ضد ترور و ضد خشونت است، هر چند که برای ریشه‌یابی و مخالفت با آن صحنه‌های بسیار دردناک و تکان دهنده‌ای را به طور عریان به تصویر می‌کشد. "فراری" به دلیل ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم با قربانیان خشونت به ویژه در الجزایر، شخصیت رمان خود را فردی واقعی برمی‌گزیند و از قدرت خلاقه‌ی تخیلی‌اش برای بازتاب رنج و درد بشری به صورت تمام و کمال استفاده می‌کند.

کتاب "پرنسیپ" که یکی از آخرین رمان‌های این نویسنده‌ی پرکار و پرتوان است به سرگذشت "ورنر کارل هایزنبرگ" یکی از بزرگ‌ترین نوابغ قرن بیستم می‌پردازد. "فراری" برای نگارش این رمان که بار فلسفی سنگینی را به آن اختصاص داده است و برای استناد به واقعیت‌های بیشتر، از اتوبیوگرافی این دانشمند و از خاطرات "الیزابت هایزنبرگ" همسر "ورنر" و اسناد موجود در کتاب "جنگ هایزنبرگ" بهره می‌گیرد.

قسمت سوم کتاب که به مبحث "انرژی" اختصاص دارد. براساس نوارهای ثبت شده در "فارم هال" است که بین ژوئیه و دسامبر ۱۹۲۵ در اواخر جنگ تهیه و در سال ۱۹۹۳ علنی شده است. "فراری" ضمناً گفتگوهای مفصلی با "مارتین" فرزند "ورنر هایزنبرگ" داشته و به نامه‌های این دانشمند برجسته دسترسی پیدا کرده است.

"هایزنبرگ" به دلیل نظریه‌ی مشهور "اصل عدم قطعیت" و یا "اصل عدم ایقان" خود انقلاب عظیمی در مباحث فیزیک و فلسفه برپا کرد و یکی از بنیان‌گذاران اصلی فیزیک کوانتم گردید. هایزنبرگ می‌گوید ما هیچ چیز را به طور قطع نمی‌دانیم؛ به بیانی واضح‌تر، وقتی موقعیت یک ذره را می‌دانیم، درباره‌ی سرعت لحظه‌ای‌اش چیز کمتری می‌دانیم و بالعکس، یا به زبان دیگر: هر قدر موقعیت ذرات دقیق‌تر تعیین شود، سرعت لحظه‌ای آنها کمتر

مشخص می‌شود و برعکس، و سرانجام اینکه غیرممکن است که همزمان، سرعت و مکان الکترون یا هر ذره‌ی دیگری با دقت یا قطعیت دلخواه تعیین شود. در واقع، هایزنبرگ با ارائه‌ی این اصل، میدع فیزیک کوانتم در قرن بیستم می‌گردد که آخرین خلف او "استیفن هاوکینگ" در قرن بیست و یکم طرح مسئله‌ی با کوانتم گرانشی فرضیه سیاهچاله‌ها و کهکشان‌ها را پیش می‌کشد.

البته هاوکینگ که پیش‌بینی‌های هولناکی درباره‌ی سرنوشت کوهی زمین آن هم نه در آینده‌ای چندان دور کرده است برخلاف هایزنبرگ موفق به دریافت جایزه‌ی نوبل نمی‌شود.

"زروم فراری" که استاد فلسفه و مفتون فیزیک کوانتیک است، بیوگرافی هایزنبرگ را - که به دلیل خلق مکانیک کوانتیک در سال ۱۹۳۲ و درسی سالگی موفق به دریافت جایزه فیزیک شد - به رشته تحریر درمی‌آورد. رمان به چهار فصل "موقعیت"، "سرعت"، "انرژی" و "زمان" تقسیم و وضعیت هایزنبرگ در آن کمابیش به ترتیب تاریخ مشخص می‌گردد، زمانی که پدرش را می‌بیند که عازم جنگ است، روزهای دانش‌آموزی، کشف بزرگش و نهایتاً بازگشت به آلمان.

"فراری" که شیفته‌ی هایزنبرگ و اصل عدم قطعیت او شده است خود را درگیر جهانی می‌کند که جای زخم‌های عمیق ناشی از جنگ را به ارث برده است. او در این رمان، منتقدانه به موشکافی در وضعیت و تصور فرهنگ اروپایی در قرن بیستم می‌پردازد و آن را وارد صحنه‌ی جهان معاصر و تاریخ می‌کند، تاریخی که به طور مداوم در حال تکرار است و بازگشت‌هایی ابدی دارد.

اما "پرنسیپ" تماماً موضوع برای یک اتوبیوگرافی فردی نیست. روایتگر، مشخصاً رمان رساله‌گونه‌ی خود را با خطاب قرار دادن شخص هایزنبرگ آغاز می‌کند. قسمت عمده‌ی روایت به صورت دوم شخص نوشته می‌شود، گویی